

من در مجموعه‌ی فضلی برجسته قم جامع خصوصیات منحصره‌فرد آیت‌الله مصباح را مشاهده نمیکنم الحمدلله گرایش صدا و سیما به ایشان خوب است.

رهبر انقلاب در دیدار خانواده آیت‌الله مصباح یزدی؛



بیانات رهبر انقلاب در دیدار خانواده آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی در محل برگزاری دومین همایش بزرگداشت علامه مصباح یزدی در تهران منتشر شد.
به گزارش اسپادانا خبر، در متن کامل این بیانات آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ابى القاسم المصطفى محمد وآله الطيبين الطاهرين سيما بقية الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید. بعد از مدتها آقایان را و بعضی از خانمها را زیارت کردیم. بزرگداشت جناب آقای مصباح یکی از واجبات کارهای حوزه و روحانیت و ماها و همه است و بزرگداشت ایشان به معنای زنده نگه داشتن جهت‌گیری ایشان و راه ایشان است.

مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) یک خصوصیات منحصره‌فردی داشتند که من در مجموعه‌ی فضلی برجسته‌ی قم که از قدیم می‌شناختم و حالا هم بحمدالله برکات بعضی‌شان ادامه دارد نگاه میکنم، جامع این خصوصیات را کسی مثل مرحوم آقای مصباح مشاهده نمیکنم؛ علم فراوان، فکر خوب و نوآور، بیان رسا و واضح، انگیزه‌ی تمام‌نشدنی و بی‌نظیر، خلقیات و رفتارهای شایسته و برجسته، سلوک و معرفت و توجه معنوی و مانند اینها؛ مجموع اینها را واقعاً انسان نمیتواند پیدا کند. اینها در آقای مصباح جمع بود.

بالاخره رفتن برای همه هست: إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ. اگر چه خسارت است اما بالاخره چاره‌ای نیست، ناگزیریم؛ علاج این است که آن راه ادامه پیدا کند؛ آن ابتکار و آن کارهایی که ایشان کرده‌اند؛ همین «طرح ولایت» یکی از ابتکارات ایشان است؛ همین تشکیلات عظیم مرکز تحقیقات امام خمینی یکی از همان ابتکارات است؛ کتابهایی که ایشان نوشته‌اند، چه کتابهای علمی، چه آنچه مربوط به اخلاقیات و معنویات و [برای] استفاده‌ی عموم و مانند اینها است، یکی از آن کارها است؛ اینها را نباید گذاشت تعطیل بشود. الحمدلله آثار ایشان از همه جهت خوب است؛ آثار صوتی ایشان خیلی آثار خوبی است. سخنرانی‌های ایشان را یک مدتی که در آن حسینیّه سخنرانی داشتند، در عصرهای ماه رمضان تلویزیون پخش میکرد؛ من می‌نشستم پای تلویزیون گوش میکردم؛ نمیدانم کی بود. حالا من عصری می‌نشستم گوش میکردم؛ عصر ماه رمضان بود. به ایشان گفتم؛ گفتم اینها خیلی برجسته است، واقعاً خیلی خوب است؛ آدم می‌نشند گوش میکند، واقعاً استفاده میکند. خب اینها نایستی متوقف بشود؛ نباید مسکوت بماند، فراموش بشود. ایشان آثار صوتی دارند، آثار مکتوب دارند، آثار مؤسسه و بنیانهای مؤسساتی، مثل آنهایی که اسم آوردیم - یا شاید هم غیر آنها که من خبر ندارم - دارند، الحمدلله فرزندان خوبی دارند، آقازاده‌های خوبی دارند؛ وَبَتْ مِنْهُمَا رَجُلًا كَثِيرًا وَنِسَاءً؛ الحمدلله؛ برکات نسلی‌شان هم برکات خوبی است.

در مورد حفظ آثار، نکته‌ای که وجود دارد، این است که نگذاریم این آثار کهنگی پیدا کند، یعنی آن روزی که ایشان این مؤسسه‌ی امام خمینی را راه انداختند، یک کار تازه‌ای بود؛ آیا امروز هم اگر به همان شکلی که اول راه افتاده، اداره بشود، باز هم تازه است؟ این، جای سؤال است؛ این به عهده‌ی شماها است. آقای رجبی و شما آقایان ببینید چه کار باید کرد که آن تازگی و طراوت حفظ بشود. آن اولی که ایشان این کار را شروع کردند، خب یک کار خیلی نو جدیدی بود، توجه‌هایی را به خودش جلب کرد؛ حالا هم باید همان جور باشد یا مثلاً کتابهای ایشان، خب حالا بعضی از کتابها، کتابهای علمی است، کتاب درسی است، مثلاً فرض کنید فلسفه؛ خب حفظش به این است که در حوزه در جاهایی که مقتضی است تدریس بشود اما برخی از آثار مکتوب ایشان آثاری است که باید در ذهنها جایگزین بشود؛ بحث علم و فن و مانند اینها نیست؛ فکر است؛ باید در ذهن مخاطب بنشیند. چه جوری میشود نشاند؟ امروز با صرف اینکه حالا تعداد نسخه‌هایی که از یک کتاب چاپ میشود، بالا باشد یا پایین باشد، مسئله تمام نمیشود؛ یعنی این جور کتابهای فکری [این جوری حفظ نمیشود]. چرا، بعضی از کتابها هست که وقتی تعداد و تیراژ بالا برود، این یک موقفیت است؛ فرض کنید کتابهایی که در شرح حال شهدا مینویسند؛ خب هر چه افراد بیشتر بخوانند، بیشتر بهره‌مند میشوند. کتابهای فکری این جوری نیست؛ کتابهای فکری لازم است در فکر رسوخ کند و این، صرفاً با نشر کتاب حاصل نمیشود. شما نگاه کنید غربی‌ها در این کارها خوب واردند، خوب بلدند؛ ببینید مثلاً فرض کنید فلان متفکر، حالا مثلاً هگل مگر چند کتاب نوشته؟ افکارش را از داخل این کتابها استخراج میکنند و درمی‌آورند، تخلص میکنند، خلاصه میکنند، آن فکر را با بیانهای مختلف، با زبانهای مختلف، با شیوه‌های مختلف پخش میکنند، منتشر میکنند. این کار [در مورد ایشان هم] باید انجام بگیرد. من البته گمان میکنم قبلاً به خود مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) یا شاید به بعضی از شاگردهای ایشان راجع به ملاحظه‌ی این حرف را زدم که کتاب ملاحظه‌ی تدریس میشود اما لب حرفهای ملاحظه‌ی چیست؟ ملاحظه‌ی چند مسئله‌ی اساسی دارد؛ اینها را پیدا کنید، بکشید بیرون، روی اینها بحث بشود، کار بشود، کتاب نوشته بشود، مباحثه بشود؛ این لازم است. در مورد خود آقای مصباح همین جور است و باید این جوری بشود. نگاه کنید، ببینید آن جهت‌گیری فکری ایشان، آن نقطه‌ی تمرکز فکری ایشان چیست، چه در مسائل فلسفی، چه در مسائل اجتماعی، چه در مسائل اعتقادی و فکری، در فضای مجازی و از این قبیل پخش میشود – یک تگه حرف را پخش کنید، این منتشر بشود، در ذهنها بماند، به زبانها بیاید، تکرار بشود و مثل مثل سائر که در زبانها تکرار میشود و میماند، این فکر بماند، معلوم بشود این، فکر آقای مصباح است؛ تا افراد اسم آقای مصباح را می‌آورند، هر کسی که دیده این تگه‌ها را، این نوشته‌ها را، ذهنش به یکی از اینها متوجه بشود، یادش بیاید مثلاً یکی از راههای پخش فکر یک آدم متفکر برجسته‌ی عمیقی مثل آقای مصباح این است. صوت هم خیلی خوب است. حالا شاید لازم نباشد از اول تا آخر یک سخنرانی را پخش کنیم – آن [کار] شاید یک مقداری تأثیر را هم کم کند اما بالاخره میتوان از یک صوت یک ساعته یا مثلاً سه ربع ساعته‌ای که مستمع را کاملاً جذب میکرده، مثلاً یک ربع ساعت مطلب درآورد.

یکی از چیزهایی که در این جلسات داخل حسیته‌ی ایشان نظر من را خیلی جلب میکند، این است که وقتی [فیلم آن را] پخش میکنند، آدم میبیند اولاً مستمعین که متراکم نشسته‌اند، همه جوانند، یعنی مثلاً یک آدم مسن بالای چهل سال شاید در اینها دیده نمیشود؛ همه جوانند و [ثانیاً] همه همین طور محوند! این خیلی مهم است. من چون خودم سخنرانم، ده‌ها سال [سخنرانی کرده‌ام]، به این نکات توجه دارم. چه زمانی هست که سخنران احساس میکند موفق است؟ این نگاه‌ها و برخوردها و به‌اصطلاح آن نمایشهایی که از رفتار مستمع وجود دارد، نشان‌دهنده‌ی یک حقیقتی است؛ این را شما در سخنرانی‌های ایشان مشاهده میکنید، یعنی این من را خیلی جلب میکند. ایشان چه دارد میگوید که این جور همه‌ی دلها را، چشمها را مجذوب کرده، مبهور کرده؟ این تگه‌های خاص را پیدا کنید، مکرر پخش کنید.

خوشبختانه صدا و سیما نسبت به این قضیه روی خوش نشان داده. حالا گاهی اوقات هست مسئولان رسانه‌ها و مانند اینها روی خوش به یک چیزی نشان نمیدهند [ولی] نسبت به کارهای ایشان الحمدلله صدا و سیما گرایش خوبی دارد و در ساعات مختلف [پخش میکند]. من گاهی عبور میکنم، [وقتی] نگاه میکنم میبینم، یا گاهی نشسته‌ام میبینم که از ایشان چیزهای زیادی را پخش میکنند؛ حیات آقای مصباح این است، زنده بودن آقای مصباح این است.

خب جسم ایشان رفت، حیف هم بود، خیلی حیف بود، یعنی وجود ایشان واقعاً مایه‌ی برکت بود، آدم از دیدن ایشان استفاده میکرد؛ یکی از این کسانی [بود] که ما در طول عمر دیدیم از دوره‌ی جوانی‌شان، نه حالا؛ آن وقت که ایشان شاید هنوز ازدواج هم نکرده بود – من قبل از اینکه بیایم قم، در مشهد با ایشان آشنا شدم؛ گمان میکنم مثلاً سال ۳۶، ۳۷ بود – از آن وقت آدم میفهمید ایشان یک مرد متدین، اهل دین و اهل تقوا بودند. از جمله‌ی آن کسانی بود که «مَنْ يَدْخُرْكُمْ اَوْ رُوِيَ عَنْهُمْ»؛ رؤیت ایشان هم آدم را کمک میکرد، پیش میبرد، به یاد خدا می‌انداخت. خب هر چه از آن جوانی گذشت، ایشان بهتر هم شد؛ اگرچه هر چه هست، مال همان دوره‌ی جوانی است. شما جوانها قدر این دوره را بدانید؛ آنچه آن آخر کار به درد آدم می‌خورد و گیر آدم می‌آید و برای آدم میماند، همین [چیزی] است که حالا شماها کسب کرده‌اید و دارید کسب میکنید. جوانها قدر جوانی‌شان را بدانند.

خدا ان شاء الله درجاتشان را عالی کند. بله، دو سال از درگذشتشان گذشت؛ دوازدهم دی بود. خداوند ان شاء الله درجات ایشان را عالی کند و ایشان را مشمول مغفرت و رحمت خودش قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

منبع | سایت دفتر حفظ و نشر آثار رهبری،

برچسب ها: [رهبر انقلاب](#) [1]

[حوزه علمیه](#) [2]

